

وضع اجتماع ایران در زمان خسرو اول و هرمز

سلطنت انوشیروان و هرمز - قیام بهرام چوین -
فرار خسرو دوم به روم و بازگشت او بکمک
امپراتور روم - علل شکست بهرام چوین

در شماره پیش گفتیم نهضت مزدکیم با وجود اینکه شکست خورد تکان شدیدی با اساس اجتماعی و اقتصادی ایران وارد آورد، سدهای طبقاتی را شکست و راه ترقی دهقانان میانه حال را کشود و آنها را در دستکاهای حساس کشوری و لشکری صاحب مقام ساخت. خسرو اول تحت تأثیر این اوضاع مجبور گردید و فرمهایی چند بنفع طبقات میانه حال و مسالکین بزرگ بعمل آورد و بدنبال این اقدامات از قدرت روحانیون و اشراف و بزرگان و امیران محلی بکاهد و در تقسیمات کشور تجدید نظر کند و قشون را بطور کامل زیر نظارت و اختیار خود بگیرد و برای اینکه بتواند مضارح سپاه را فراهم سازد در سیستم مالیاتی تغییراتی ایجاد نماید. در آن دوره خوف و وحشتی که در طبقات صاحب نفوذ و قشود از نهضت مزدک ایجاد شده بود. بخسرو (انوشیروان) این امکان را داد که بتواند یک شخصیت برجسته و مقتدر در صحنه سیاست ایران هر ضایع اندام کند.

لشکرکشی‌ها و پیروزیهای او سبب افزایش شخصیت و اقتدار او شد. بدنبال این فتوحات که غارت سایر جلال را در برداشت. خسرو اول در داخل کشور بکارهای فرهنگی و ساختمانی پرداخت. اسراء را از سایر کشورها بداخل ایران کوچ داد و بدست آنان شهرهایی بنا نمود چنانکه فردوسی در اینباره میگوید:

یکی شادسان کرد در راه روم فزون از دو فرسنگ بالای بوم

ز روم و ز هند آنکه استاد بود و ز استاد خویش هنر یاد بود

اسیران که از برابر آورده بود ز روم و ز جامی که آزرده بود

چو از شهر یکسر برداشتند بگرد اندرش روستا ساختند
چنانکه از اشعار بالا کم و بیش برمی آید شهرهای آن زمان دارای فرم و شکل دوره فتوادی بوده اند یعنی در محلی قصر، کاخهای (نجباء) و بزرگان و اشراف را بنا میگردید که در وسط آنها قصر سنیور خودنمایی میکرد سپس معابد و مؤسسات اداری و لشکری و مالی در نزدیکی محل قرار میگرفتند و در محلات دور

افتاده تر شهر، بازار، واقع بود و هر صنفی برای خود محل خاص داشت. بدور شهر
حصاری میکشیدند و در کنار آن دور تا دور خندق میزدند و دروازه های شهر باطلوع
خورشید گشوده میشد و هنگام غروب بسته میگردد.

در اطراف و حوالی شهر زمین های مزروعی و باغات و کشتزارها قرار
داشتند که همه یا بیشتر آنها متعلق به سنیور بوده و او این زمین ها را در مقابل تمهداتی
که از او سال ها می گرفت بد آنها و اگذار می ساخت و او سال ها (دهک. نان) نیز روستائیان را
روی این زمین ها استثمار میکردند و در مقابل موظف بودند هر موقع که سنیور لازم
بداند نفقات با تجهیزات کافی در اختیار او بگذارند و بقشون وی بپیوندند. البته
از آنچه گفته شد نباید چنین استنباط کرد که تمام شهرهای دوره خسرو اول دارای
این فرم و شکل بوده اند زیرا آنطوریکه قبلا نیز گفته شد بر اثر نهضت مزدک
تقسیم بندی طبقاتی تا اندازه ای در هم شکست و دهقان میانه حال قادر گردید که از
صورت سرفی خارج گردد و در قشون و ادارات دولتی وارد شود و در آنجا صاحب
مقام و منصب گردد و صورتیکه قبل از آن تمام این مقامات و مناصب مختص طبقات
بالا و موروثی بود.

چنانکه گفته شد دولت ایران در این دوره قدرت و عظمتی یافت. تصادفاً
در روم نیز وضعی نظیر ایران حکم فرما بود و میشود این دوره را اینطور خلاصه
کرد که در اوایل قرن ششم سیاستمداران بزرگی چون ژوستین در روم و خسرو
اول در ایران که هر دو شخصیت های قوی برجسته، و متمایل باستبداد بودند دوره
عوبش را بر اثر اوضاع و موقعیت تاریخی کاملاً تحت الشعاع شخصیت خود قرار داده
بودند اما آنطوریکه بعد خواهیم دید این دوره بر طمطراق دیری نباید عواملی
که بر اثر موقعیت خاص تاریخی ایجاد چنین قدرتی را ایجاد میکردند بعد ما خود باعث
از هم کسختگی و فروریختگی آن شدند بطوریکه قبل از حمله اعراب تمام عوامل
انهدام رژیم ایران فراهم شده بود. برای اینکه این عوامل را دقیق تر و مشخص تر
بیان سازیم ناچاریم وضع ایران را پس از خسرو اول در زمان سلطنت پسرش هرمز
و سپس خسرو پرویز بطور موجز و مختصر مورد مطالعه قرار دهیم درست نیم قرن
پس از جنبش مزدکیان هرمز چهارم (اهورمزد) پسر خسرو اول مجبور گردید بفتح
قصر مالکین میانه حال قدمهای تازه ای بردارد.

اما او هم با وضع دشوارتری روبرو شد اگر طبقات متنفذ و ارتجعی در دوره
خسرو اول بر اثر وضع خاص آن روز مجبور بقب نشینی شدند در زمان هرمز برای
پار یافتن قدرت از دست رفته و اعمال نفوذ در دربار و ایجاد قدرت های محلی از نو
دست به تشبثات و اقدامات ارتجعی زدند و از همینجا رفتار خشونت آمیز و بیرحمانه
هرمز را نسبت ب بزرگان میشود توجیه کرد. مطالعه منابع فراوان تاریخی نشان
میدهد که هرمز با برخی از اشراف و بزرگان ایران که در کشور دارای نفوذ و
اعتبار و امتیاز زیادی بودند پیوسته در نزاع بوده و سعی وافر داشت که از قدرت و
نفوذ آنان بکاهد و برای اینکه در این کشمکش و مبارزه تکیه گاهی داشته باشد
بدهقانان و مالکین میانه حال امتیازانی داد. با افراد پائین و ساده قشون رفتار

ملاطفت آمیزی پیش گرفت و نسبت باهالی مسیحی سیاست صلحجویانه ای داشت چنانکه در تاریخ آمده است :

«منها از او خواستند که مسیحیان را آزار کند و او با استهزاء پیشنهاد آنرا رد کرد و گفت : چنانکه تخت شاهی ما بر دو پایه قرار نگیرد و دو پایه دیگر نیز لازم است همچنان حکومت ما استوار ننگردد اگر مسیحیان و پیروان مذهب دیگر را برنجایم و دشمن خود کنیم . دست از آزار آنان بردارید و کارهای نیکو کنید تا آنها کارهای خوب شمارا دیده بشما بگردند .»

با اینحال بسیاری از مورخین مزدور و جیره خوار طبقات حاکم و متمکن چه در ایران و چه در بیزنس هر مز را شخصی سفاک و خود خواه جاه طلب میدانند .

در تاریخ آشوری گفته شده است که اشراف از هر مز متغیر بودند زیرا او طوق کردن آنها را تنگتر ساخت طبری میگوید : هر مز حبله کری و بدخوئی را از مادر ترك خود بارت برده است . اما در همین حال او را شاهی تحصیل کرده و فاتح و بر جسته میشمارد که بر آنچه اراده میکرد دست مییافت .

طبق گفته طبری هر مز سعی داشت نفوذ نجبا و اشراف را قطع کند او سیزده هزار و شصت نفر از اشراف و نجیب زادگان و روحانیون ایرانی را سرد و مجازات کرد . اما در عوض نیز سعی داشت مردم ساده نزدیک شود و بوضع زندگی و موقعیت آنان بی بیرد او با سربازان خوش رفتار و نسبت بمقامات بالاخشن بود .

فتوفن و فتوفلیکات مورخین رومی میگویند :

«هر مز قسی القلب و خسیس بود ، اشراف را در سپاه چالها مدفون ساخت و عده دیگر را بقره دجله فرستاد . هر مز عهد اچینک و لشکر کشی متوسل میشد تا اشراف را بکشتن دهد و از قیام و همیان آنان در بیم باشد »

چنین اظهار نظر حصانه ای نسبت به هر مز از جانب «فتوفلیکات» تعجب آور نیست زیرا این نوشته ها انعکاسی از نظر اشراف و نجباء و قشرهای بالای اجتماع آلمان ایران است که از هر مز صدمه دیده بودند و «فتوفلیکات» این نظریات را از اشراف و بزرگانیکه همراه خسرو دوم به بیزنس آمده بودند کسب کرده است .

با تمام این احوال سیمای حقیقی هر مز را از خلال سطور نوشته های مورخین رومی و شرقی میشود مشاهده کرد . او پادشاهی است که از بدو ایرانی و از مادر ترك میباشد ، مردی چالاک ، زیرک ، مدبر ، آگاه بعلوم مصر خود و بفتون و سلوک زمان کاملاً آشناست .

اقدامات مصممانه او در مورد اشراف برای آن بود که وی قصد داشت اذیر نفوذ و فشاری که بر تمام دستگاه حکومتی وارد میساختند خارج گردد . در میان قشون نیز همین سیاست را تعقیب میکرد و از اینرو نسبت بمران سپاه خشن و در مقابل «ضعفاء و فقرا» که در آثار تاریخی بمنزله کاتکوری اجتماعی آمده اند ، رفتار ملایم و ملاطفت آمیزی داشت و با بعبارت دیگر همانطوریکه قبلاً نیز اشاره رفت سعی داشت

• تاریخ قدیم تألیف حسن پیرنیا

درمیان توده های وسیع ملت برای خود تکیه گاهی بیاید (۱)

درزمره اسامی کسانی که در دوره هرمز محکوم باعدام شدند نام روحانیون نیز بچشم میخورد. و هرمز بهمین علت که تکیه گاه مصلحتی در میان مغها و اشراف نداشت سعی میکرد آرایین مسیحیان بیاید و این سیاست توسط فرزند او خسرو دوم نیز تعقیب شد.

بدین ترتیب هرمز سعی میکرد تا در معافل گوناگون برای خود تکیه گاهی بیاید اما با این سیاست اشراف و مغها موافق نبودند لذا هنگامیکه عصبان نظامی بهرام چوین پیش آمد آنها بانام قوا از آن پشتیبانی کردند.

فردوسی هرمز را شاه مردم میدانده که آنچه مربوط بضعفاء و فقر است او را بخود مشغول میدارد و آنها اولین کار خویش می شمارد او در طول تمام مدت سال از محلی به محل دیگر می رود، در اطراف و اکناف کشور سفر میکند و بدرد مردم میرسد بکار همه رسیدگی میکند بر تمام امور نظارت دارد و هیچ چیز از نظر تیز بین او پنهان نمی ماند و هیچ جریان بی بدون اطلاع او در کشور رخ نیندهد.

چنانکه فردوسی درباره هرمز چنین گفته است :

دگر گفت ما تخت نامی کنیم کس را نایگان را گرامی کنیم

کنه کردگان را هراسان کنیم ستم دیدگان را تن آسان کنیم

همه کار درویش دارد دلم نخواستیم که اندیشه زوی کسلم

از آنچه گفته شد بخوبی میشود فهمید که هرمز تا اندازه ای روش مترقی داشت و در عصر خود انسانی ترقیخواه و بشر دوست بود.

اقدامات او فقط در جهت نبود که قدرت خود را جانشین قدرت و نفوذ اشراف و بزرگان سازد بلکه با اعمال و حشیانه و رفتار ارتجاعی آنان نیز موافق نبود بهمین علت خشم و کین آنها و مزدوران آنها را نسبت بخود برانگیخت تمام عوامل ارتجاعی از اشراف و نجباء و سران سیاه و مغها و دبیران و موبدان و حتی خویشان نزدیک او بر علیه وی در صف واحدی قرار گرفتند و سرانجام رفتار توهین آمیز او نسبت به بهرام چوین یکی از سرداران نظامی بهانه ای شد تا تمام عوامل ارتجاعی بر ضد او قیام کنند و «و ایستادیم» یکی از خویشاوندان هرمز او را بقتل رساند. با کشته شدن هرمز باردیگر ارتجاع ایران پیروزشد اما بطوریکه خواهیم دید این پیروزی زودگذر بود. عصبان نظامی بهرام چوین نه فقط بر ضد اقدامات شاه صورت گرفت بلکه کودتایی علیه سلسله ساسانی بود.

زیرا با وجود اینکه خسرو دوم پسر هرمز پس از اینکه بتخت نشست بلند ترین مقام دولتی را ببهرام وعده کرد او نپذیرفت خواست که خسرو نزد او بیاید و هفتو بخواد پس از این واقعه جنگی بین خسرو و بهرام روی داد که منجر بشکست خسرو شد و او بروم گریخت و بهرام وارد تیسفون شد و بتخت شاهی نشست اما اشراف و بزرگان و سران سیاه که بمنظور باز یافتن نفوذ و قدرت خود

(۱) نقل از تاریخ : ایران و روم در آستانه قرن ۶-۷ میلادی چاپ شوروی

(۲) اقتباس از تاریخ طبری

و همچنین ایجاد قدرت‌های معلى با بهرام همكاری کرده بودند از این پس وجود او را که مردی محکم و قدرت طلب بود مزاحم خویش دیدند و همكاری با خسرو دوم را که مردی عیاش و راحت طلب بود ترجیح دادند از اینرو هنگامیکه خسرو از موریس کمک گرفت و باقشون رومی هازم ایران شد بزرگان بهرام کمک موثری نکردند و او شکست خورد و نزد خاقان ترکستای گریخت و خسرو دوباره وارد تیسفون شد و بتخت نشست.

بعد از مدتی امپراطور روم نیز دوچار حادثه‌ای نظیر آنچه برای خسرو روی داده بود گردید: در بیزانس نیز یکی از سرداران بنام فوکاس بر ضد موریس قیام کرد و امپراطور روم مجبور گردید برای سرکوبی او از خسرو کمک بگیرد. در این دوره سیستم‌های حکومتی ایران روم دوره انحطاط خود را طی میکنند سرفهائی که فساد و غرضرانی و بی‌بایه بودن قدرت چیروتی شاه و بزرگان ایران را دیده بودند و بخصوص نهضت مزدک و سایر جریانات با آنها آموخته بود که میتوانند وضع بهتری داشته باشند از اینرو دیگر حاضر نبودند بوضع سابق زندگی کنند. بخصوص که مالیاتها و عوارض سنگین از یکطرف کم مردم را میشکست و سوی دیگر رژیم موجود مانع رشد بعدی صنعت و تجارت بود.

این عوامل از یکطرف و کشمکش مالکین و فتودال‌ها با افراد لشکری بر سر ایجاد قدرت‌های معلى بگونه آنارشی و کسبختگی در سیستم استبدادی ساسانیان فراهم ساخت.

خسرو دوم برای آنکه بتواند سرپوشی روی این تضادها و نارضایتی‌ها بگذارد راه‌هایی از این هرچو مرج و بحران را در لشکرکشی‌ها و غارت سایر ملل دید. در این نقشه‌های غارتگرانه بزرگان ایران نیز با او همعقیده بودند لذا با کشیدن عصاره حیات مردم کشور از راه بستن مالیاتهای تازه قشون بزرگی ایجاد شد و بر کشورهای همجوار یورش بعمل آمد و سرداران ایران تا اسکندریه نیز پیش راندند از این غارتگریها خزانه‌ها و گنجها برای شاه و اشراف فراهم آمد بطوریکه عده زنان خسرو دوم را مورخین سه هزار نوشته‌اند و علاوه بر آنها چندین هزار کتیزک برای سرودن و نواختن جزو حرمسرای او بودند از اینجا میتوان فهمید که مخارج دربار ایران در آنزمان بیجه میزان بود.

اما اگر این تاخت و تازها بر خواهد شد و اشراف و بزرگان افزود و برای مدت قلیلی سرپوش عوامل انفجار متراکم شد و جریانهای بعدی نشان میداد که ساعت فرو ریختن این رژیم نزدیک میشود. بزودی لشکرکشی‌های خسرو دوم با ناکامی و شکست مواجه میشود سران سپاه با او بدین میشوند و او از آنها بهراس می‌افتد و عده‌ای را هلاک می‌سازد در نتیجه طنیانی علیه‌وی روی میدهد او را دستگیر می‌سازند و از سلطنت خلع کرده و پس از چندی در زندان میکشند.

پس از او اوضاع حکومتی و اجتماعی ایران دوچار آشفتگی بیشتری میگردد روحانیان و نجباء و نفوذ فوق‌الماده‌ای بهم میرسانند از دوره خسرو اول (انوشیروان) تمام شاه‌مصرف این بود که قدرت فتودال‌ها و متنفذین را بکاهد و مرکزیت ایجاد کند در این دوره اشراف و فتودال‌ها با زهم فرصت می‌یابند که از موقعیت

جواب نامه شما

۱۰. ماهوری (لنگرود) - ۱ - معنی این لغت را میتوانید در کتاب «اصول مقدماتی فلسفه» تألیف «ژرژ پولیتسر» بیابید.
- ۲ - نمی توان راه مشخصی را نشان داد امسا مطالعه زیاد آثار نویسندگان بزرگ بیشک مؤثرست .
- ۳ - ارزش هنری دارد ولی باید تحت نظم و قاعده ای در آید تا صورت بین المللی پیدا کند .
- ۴ - بهترین نویسنده را نمی توان تعیین کرد .
۵. آقای سید کاظم تهامی (کسرمانشاه) ۱ - مجله در آینده حد اکثر پس از یک هفته بهرستانها خواهد رسید .
- ۲ - مجله شما به بنگاه سپهر نرسیده است . دوستی شما را با اشتیاق فراوان می پذیریم ، بطور مستقیم با شما مکاتبه خواهد شد .
۶. م. ر. ر. (دشت) - دوستی شما را با اشتیاق فراوان می پذیریم . مقاله در مجله ما چاپ خواهد شد و شما را مورد جمع آوری فولکلور راهنمایی خواهد کرد .
۷. ج. فروغ (کرمان) - ۱ - لغت هایی را که نمیدانید بنویسید تا معنی کنیم .
- ۲ - علت تفاوت قطع مجله آنستکه شماره دوم کمی بیشتر از شماره اول بریده شد و این عیب در صحافی دوره مجله رفع خواهد شد .

استفاده کرده و برخلاف میل سلطنت تمینات گریز از مرکز و ایجاد قدرت های محلی را بطور اجرا گذارند. شاهان آن که بعد از خیر و دوم آمدند هیچ قدر قادر نشدند بر امور مسلط شوند و در مدت کوتاهی یعنی در عرض چهار سال دوازده شاه تغییر یافت و سرانجام حمله اعراب باعث گردید که بنای اجتماعی و حکومتی ایران که از داخل فرسوده و پوسیده شده و عوامل انهدام آن فراهم شده بود در هم فرویزد و اصول سرواز و وضع خاص طبقاتی ایران که از زمان نهضت مزدک متزلزل شده بود دوچار تزلزل بیشتری گردد .

قودال های فاتح عرب جانشین و یا همنشین قودال های محلی کردند و از آن پس مبارزات ملت ایران ایران و خاصه طبقه دهقان در دو جهت انجام گیرد بر ضد اشغالگران عرب و قودالها و استعمارگران داخلی که منافع خود را با منافع فاتحین درهم آمیخته بودند.